

شیوه های نو

در ادبیات جهان

قبل از جنگ جهانی دوم

### نویسندگان جوان ۱۹۳۰

امریکا که پس از جنگ جهانی اول اوضاع اقتصادی و بنیة مالی اش بسیار خوب بود، در پائیز ۱۹۲۹ ناگهان بامصیبتی عظیم زو بروشد. سهام تنزل کرد و بحران اقتصادی نزدیک بود سراسر امریکارا بورشکستگی و ازهم گسیختگی بکشاند.

در ظرف مدتی اندک صدها هزار نفر بفقرو تنگدستی افتادند و بیکاری در آن کشور به نهایت رسید.

این اوضاع مخصوصاً در نسل جوان نویسندگان امریکا که عمرشان از ۲۵ تا ۳۰ سال بیشتر نبودیش از نویسندگان دیگر اثر کرد. نویسندگان جوان این دوره که امثال درایزرو اندرسن ولویس، این فن را آموخته بودند که امور را از نزدیک مورد مطالعه قرار دهند، بخوبی حس میکردند که نویسندگی وظیفه ای بالاتر از این در جامعه دارد.

در این دوره بحرانی که همه بهم نزدیک شده بودند، نویسندگی وظیفه خود می دید که علاوه بر نقاشی و نمایش امور، داروئی برای تسکین درد مایا بد و راه حلی بیندیشد.

بعضی نویسندگان جوان مانند کالدول یا شتن بنگ اگرچه عضو حزبی نبودند به اصول عقاید مارکس علاقه ای نشان می دادند.

در این دوره نویسندگان سالخورده تر نیز روش تازه ای اختیار کردند و بمبارزه ای برخاستند که سابقاً از آن پرهیز داشتند.

در اینجا از یکی از دو تن از نویسندگان که از ۱۹۳۰ ببعده روی کار آمده اند باختصار صحبت میکنیم.

**ارسکین کالدول** Erskine Kaldwell ارسکین کالدول بسال ۱۹۰۳ در جیورجی امریکا متولد شده است. پدرش کشیشی بود که لاینقطع در دهات و شهرهای جنوب امریکا در سیر و حرکت بود و در نتیجه تمام کودکی کالدول در تغییر محل و منزل گذشت و این امر موجب شد که مرتب بدمرسه نرود و تحصیل منظمی نکند.



ارسکین کالدول

کالدول در ۱۷ سالگی والدین خود را ترك گفت و بکارهای گوناگون اشتغال ورزید و چندی هم مخبر روزنامه شد ولی بزودی از این شغل دست کشید و به جنگلهای هن در شمال امریکا رفت و زندگی ساده دهقانی پیش گرفت و ضمناً بنوشتن حکایاتی مشغول شد. شهرتش از ۱۹۳۲ با نوشتن داستان «جاده تنباکو Tobacco Road» آغاز میگردد.

از این پس چون وضع مالی نویسنده سر و سامانی گرفت گوشه انزوا را رها کرد و در نزدیکی نیویورک در منزل راحت مسکن گزید و بازاری که عکاس هنرمندی بود ازدواج کرد. از آن موقع بیعت تقریباً بطور مرتب هر ساله کتابی انتشار می دهد.

غیر از رمان نویسی، کالدول در نوشتن داستانهای کوتاه و حکایات نیز معروف میباشد که قسمت اعظم آنها توصیف مناظر و صحنه های زندگی ایالت جیورجی زادگاه نویسنده است.

مخالفان کالدول از بی پروایی و پرده دری او در نوشته هایش عیب گرفته و از درستی که نسبت با اصول قابل احترام و اشخاص عقیف و پاکدامن روا می دارد اظهار نفرت میکنند.

**کالدول** در آثار خود بزندگان غریزی و حیوانی که از مصلحت بینی و تزویر و شرارت دور است علاقه نشان می دهد و بهمین جهت برای سیاهان شهرش ابراز دوستی و محبت میکند.

همانطور که از زوال سفید بوستان فقیر و طبقه پائین جامعه اظهار تأثر می کند و تأسف می خورد، سادگی کودگانه و طبیعت بی جیله سیاهان را می ستاید.

در داستانهای کوتاه تحت عنوان « جیورجیا بوی Georgia Boy » (۱۹۴۳) سیاهی را نشان می‌دهد که همچون طفلی مطیم و ترسو، بی‌عدالتی‌ها و یاوه‌گوئی‌های ارباب خود را تحمل میکند. گاهی هم صحنه‌ای را نشان میدهد که تأثر آور و رقت بار است و از قلم دردناشناس و بی‌اعتنای نویسنده و در پس زهر خنده‌های او خشم و ترحم احساس میشود.

مثلاً در حکایتی با اسم « دختر daughter » قیافهٔ تأثر بار سیاهی را وصف میکنند که از بس دخترش گفته « گرسنه‌ام » طساعت شنیدن این سخن را نیاورده و او را کشته است و درجائی دیگر سرگذشت سیاه اجاره دار زمینی را حکایت میکنند که عمری بسختی و ممرارت کار کرده و با آنکه مرتب اجارهٔ زمین را پرداخته است، برخلاف هر قانونی صاحب زمین او را میراند و چون می‌خواهد در محکمه احقاق حق کند هیچ و کیل سفید پوستی حاضر نیست از سیاهی دفاع کند و وکیل سیاه پوست هم حرفش در محکمه اثری ندارد و سرانجام او را به زندان می‌فرستند.

در سراسر حکایات و داستان‌های ارسکین کالدول، ماجرای آزار و اذیت و کشتن سیاهان مکرر دیده میشود و فکر اصلی نویسنده بر سر این مسأله دور می‌زند.

کالدول نه کمونیست است و نه انقلابی متعصب و نه دشمن نژاد سفید. این نویسنده از آلام و مشقات مردم و وطنش رنج میبرد و آنرا نتیجهٔ نقص تشکیلات اجتماعی و عیب اصول اخلاقی که بارها و سالوس آمیخته است می‌داند. نواقص و عیوب اجتماعی و اخلاق را با مجسم ساخته و هدفش هوشیار ساختن مردم برای اصلاح و تغییر اصول و قوانین اجتماعی است.



جان شتنیک John Steinbeck جان شتنیک سال ۱۹۰۲ در یکی از شهرهای کوچک کالیفرنیا متولد شده است. از جوانی برای امر از معاش بکارهای مختلفی از قبیل کارگری، کشاورزی، بنائی، ملاحی... اشتغال ورزید و وقتی هم که زندگانی مالیش اجازه میداد در مدرسه تحصیل میکرد.

این نویسنده بزادگاه خود بسیار علاقمند است و شهرها و کوه‌ها و کنارهٔ رودخانه و محافل اجتماعی و خلاصه گوشه و کنار آنرا می‌شناسد. ضمناً

شتنیک

میل سرشار به مسافرت و سیروسیاحت موجب شد که در جوانی با کشتی میوه‌کش

از مغرب امریکا حرکت کند و از راه کانال پاناما به نیویورک برود. یکچند هم سفری به مکزیك کرد.

پس از این مسافرتها به کالیفرنیا باز آمد و در خانه‌ای دور افتاده در کنار دریا نزد کسان خود زیست.

شنتیک از عفتوان جوانی بنویسندگی علاقه داشت و داستانهای هم نوشت ولی شهامت آنرا داشت که آثار آن ایام را بسوزاند و از بین ببرد و تا قبل از ۲۷ سالگی چیزی منتشر نکرد.

شنتیک بوزش علاقمند است، شیفته موسیقی میباشد، زنده گانی در هوای آزاد را دوست دارد، از حیوانات خوشش می آید و دلباخته دریاست. اولین کتاب این نویسنده بسال ۱۹۲۹ منتشر شد ولی شهرتی نیافت. اشتها او از زمانی است که داستان «شهای توریتا Tortilla Flot» را بسال ۱۹۳۵ نگاشت و بانوشن داستان «خوشه‌های خشم The Graps of Wrath» بسال ۱۹۲۹ شهرت جهانی و بین المللی یافت.

این داستان مفصل، سرگذشت خانواده فقیردهاتی است در او کلاهما که بر اثر کشت پنبه و ایجاد وسائل تازه ناچار شهر خویش را ترک گفته برای تحصیل ثروت بطرف کالیفرنیا که شنیده‌اند دارای نعمت فراوان و بهشت زمین است مهاجرت می کنند.

تمام خانواده که عبارت از پدر بزرگ و پدر و مادر بزرگ و مادر و اطفال و داماد می باشند با ضافه يك سگ و بالاخره واعظی تنها و سرگردان که باین جماعت ملحق شده است، با باقیمانده اسباب و اثاثیه در کامیونی کهنه و قدیمی و پر سرو صدا ریخته و راه طولانی و پایان ناپذیر و پر گرد و خاک را شروع می کنند. در عرض راه بدبختی ها و مشقاتی متحمل میشوند، سگ کشته می شود، پدر بزرگ می میرد، داماد یکی از پسرها فرار می کنند و دیگران بالاخره بآن سرزمین می رسند ولی افسوس، بجای آن مکان پر نعمت و برکتی که گمان میکردند با دشمنی و کینه توزی اهالی محل مواجه میشوند. بزحمت کاری پیدامی کنند و بجمع آوری محصول پنبه می پردازند ...

در این موقع اغتشاش و شورش شروع میشود و این خانواده از فشار گرسنگی دختر و در نتیجه شدت خشم بگروه شورشیان می پیوندند و سرانجام چند نفر باقیمانده بایاسی تمام از آنجا حرکت میکنند...

در آثار شنتیک، اشخاص بیچاره و فقر تقریباً همه جاروحی پاک و باطنی صاف دارند. برعکس اغنیا و دست نشاندگان آنها روحی پست و نهادی ستمگر دارند.

شتنبک نویسنده ایست رمانیست. کالیفرنی، شهرهای آن، باغهای میوه آن، طبقات اجتماعی آن بدقت بتوسط این نویسنده شناسانده شده است و بهیچوجه توصیفات او خسته کننده نیست. مخصوصاً آنچه نوشته‌های شتنبک را در فریب میسازد، جنبه شاعرانه ایست که در آثارش دیده میشود. حتی در داستان اجتماعی خوشه‌های خشم، جابجا، نویسنده خواننده را از ادامه سرگذشت باز میدارد، تا توجه او را بمنظره‌ای جالب و شاعرانه جلب نماید. طرز سخن و شیوه نگارش این نویسنده نیز قابل تحسین است.

حکایات و داستانهای کوتاه او را آندره ژید، مانند حکایات چخوف نویسنده روسی میداند.

کتاب «موشها و آدمها» (of Mice and Men) (۱۹۳۷) که در بسیاری از ممالک آنرا بمعرض نمایش گذارده‌اند دارای شیوه و طرزى تازه است. در نوشتن این داستان کوشش شده است که بتوان همان طور آنرا بر روی صحنه بازی کرد و یا نمایشنامه ایست که میتوان آنرا مانند داستان خواند.

امروز عده‌ای را عقیده بر آنست که شتنبک آثار معروف خود را نوشته و دیگر قادر نیست که شاهکاری بوجود آورد و آنچه در این او اخیرینویسد، تجدید و تکرار همان موضوعها و مسائلی است که در آثار قبلی خود آورده است بدون آنکه دارای آن لطف و کمال سابق باشد.

برعکس بسیارند کسانی که هنوز در شتنبک هنر و استعدادی فراوان نهفته میدانند زیرا این نویسنده که قریب پنجاه سال از عمرش میگذرد تا بان اندازه پیرو فرتوت نشده است که از او قطع امید شود و هر زمان احتمال آن میرود که باز شاهکاری بر فرهنگ جهان بیفزاید.

### رتال طبع علمی جهانی

نویسندگان که از آنها در اینجا یاد کردیم همه کسانی هستند که هنگام شروع جنگ جهانی دوم اشتها ر جهانی یافته بودند و با آنکه طبقه بندی کردن داستان نویسان امریکائی کاری مشکل است به پیروی از تقسیم بندی بعضی محققان ادبیات امریکاتا آنجا که مقدور بود یکنوع طبقه بندی بر حسب آثار آنها و اوضاع و احوالی که از پنجاه سال قبل تا کنون در آن کشور رخ داده و در نویسندگان مؤثر افتاده است قائل شدیم.

ولی نباید فراموش کرد که نویسندگان امریکائی معاصر از لحاظ تنوع موضوعهائی که بدان توجه دارند، هر يك تنها بیدان نویسنده‌گی وارد شده‌اند و مکتبی ادبی تشکیل نمیدهند.

نویسنده امریکائی کوشش دارد که همه چیز را مشاهده کند و هر چه را که می بیند بنویسد. دیگر آنکه اگر در سایر ممالک، جوانی با استعداد از اول با تصمیم و اراده نویسنده کی را نصب العین خویش قرار داده و در راه آن کوشش می کند، نویسنده امریکائی شاید بتوان گفت بر حسب اتفاق و تصادف بدین فن می پردازد.

آلبر گوارارد Albert Guérard که منتخباتی از نویسندگان امریکائی معاصر بزبان فرانسه گرد آورده است، در مقدمه کتاب خویش مینویسد فرقی که میان داستان نویس امریکائی با فرانسوی موجود است در امر تحصیل و وضع و حالت اجتماعی آنهاست.

در فرانسه جوانی صاحب استعداد و هنر قادر است زندگانی خود را از راه روزنامه نگاری و یا تعلیم و آموزش اداره کند ولی اغلب پیاریس می آید و در دانشکده ای ثبت نام کرده و ایام خویش را در محله سن ژرمن ده پره در کافه دو فلور و یا کافه های دیگر آن محله که مرکز و مجمع نویسندگان و هنرمندان است بمباحثات ادبی میگذراند و آرزویش فقط آنست که نویسنده شود. و حال آنکه در امریکا وضع بکلی متفاوت است. بندرت اتفاق می افتد که جوان مستعد امریکائی تصمیم بر آن گیرد که داستان نویسی را فن و حرفه خود قرار دهد، بلکه تصادف و پیش آمد موجب این امر می گردد.

بطور کلی نویسنده امریکائی تحصیل مرتبی نمیکند. بدانشگاه می رود ولی بندرت موفق می شود که تحصیلاتش را تمام کند و قبل از اینکه بنویسنده کی پردازد اجباراً برای امرار معاش بمشاغل و کارهای گوناگون می پردازد.

نویسندگان مشهور امریکا همچون همینگوی، فاکنر، شتینک، کالدول، دس پاسوس، سارویان و غیره، قبل از اینکه بنویسنده کی پردازند کارگر معدن، کارگر کشاورزی، راننده آمبولانس، محافظ معدن، نجار، آهن کوب، ملاح، آشپز، پیشخدمت کافه، عمله آسیاب، سورچی، ماشین نویس انگورچین... و خبرنگار بوده اند.

آنچه قابل ملاحظه است آنست که تقریباً همگی مدتی بشغل خبرنگاری روزنامه اشتغال داشته اند.

از طرفی در امریکا برای نویسندگان مرکزی که در آنجا جمع شوند وجود ندارد.

نویسنده امریکائی اغلب در شهر خود میماند و اگر هم یکچند جمعی از نویسندگان امریکائی خواستند «گرینویچ ویلیج Greenwich Village» را در نیویورک مرکزی چون مون پاراناس و یاسن ژرمن ده پره و کافه دو فلور و

کافه دوما گو کنند میسر نشد چه هنرمندان و نویسندگان امریکائی یا اغلب در اروپا و یا شهروزاد گاه خود بسر می بردند.

\*\*\*

در این بحث مختصر از نویسندگان جوانی که هنگام جنگ اخیر و یا پس از آن نامشان بر زبانها افتاده گفتگو نمیکنیم. مجلات ادبی امریکا هفته‌ای نیست که قریب بیست یاسی تن نویسنده جوان را معرفی نمایند بنا بر این قضاوت درباره عده بسیاری از نویسندگان که امروزه در امریکاروی کار آمده‌اند اکنون کاری مشکل است.

آنچه مسلمت اینکه داستان نویسی در امریکا آینده ای درخشان

دارد \*

### جمشید مفتاح

مآخذی که در نوشتن این مقاله از آنها استفاده شده است:

- 1 — Les romanciers Américains d'aujourd'hui. par: Charly Guyot. paris 1948.
- 2 — Le roman américain au XX<sup>e</sup> siècle. par : Jean Simon. Paris 1950.
- 3 — Aperçus de littérature américaine. par : Maurice Coindreau. paris 1946.
- 4 — Ecrit aux U. S. A. Anthologie des prosateurs américains du XX<sup>e</sup> siècle par: Albert-J. Guérard. paris. 1947.

